

لطفاً به این مقاله چنین ارجاع دهید:

اصغرپور ماسوله، احمد رضا (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی پول زیمل، تاریخ بازیابی روز، ماه، سال از سایت www.hbakhshi.com

جامعه‌شناسی پول زیمل

احمد رضا اصغرپور

چکیده

گئورگ زیمل، جامعه‌شناس آلمانی، علیرغم اینکه سالها در میان کلاسیکها مهجور بود در سالهای اخیر دوباره در مرکز توجهات قرار گرفته است. علت این برگشت به زیمل را می‌توان در آثار و نوع نگرش نسبی و چند علتی او یافت. عناصر جامعه‌شناسی زیمل را می‌توان به خوبی در یکی از مهمترین آثار او به نام فلسفه پول یافت. زیمل در این کتاب به بررسی رابطه پول با تمام اجزاء حیات اجتماعی می‌پردازد و داده‌ها و ستاده‌های پول در جامعه مدرن را معرفی می‌کند. از دیدگاه زیمل، پول در عین اینکه آزادی‌های زیادی برای انسان به ارمغان آورده است، اما با کمی ساختن تمام کیفیت‌ها و تقلیل همه چیز به اعداد، زندگی انسان بی‌معنی ساخته است. او معتقد است در عین حال کارکرد پول برای اغنیاء و فقرا متفاوت است و میزان امکانات فرد در استفاده او از پول موثر است. در میان کلاسیکها، زیمل بیش از همه به پول و ماهیت آن پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: زیمل، انسان مدرن، پول، فلسفه پول

مقدمه

گئورگ زیمل (۱۸۵۸-۱۹۱۸)، را اولین جامعه‌شناس مدرنیسم دانسته‌اند. زیمل با آنکه در ابتدا، یعنی در اوایل قرن بیستم در آمریکا مورد توجه واقع شد، اما به زودی به حاشیه رفت و در اروپا هم هرگز مورد توجه قرار نگرفت تا اینکه مطالعات جدید در مدرنیسم و پست مدرنیسم بازگشتی به آراء او داشتند و به مطالعه آثار او پرداختند (Ritzer & Goodman, 2004: p. 153). حاشیه‌ای بودن زیمل مسأله‌ای است که همواره مورد توجه و سوال بوده است. و به عقیده بسیاری همین موضوع موجب شده است که آثار و دیدگاه‌های ناب او تا سال‌های اخیر مورد توجه قرار نگیرد. به عنوان مثال کتاب مهم و مفصل زیمل درباره پول در جامعه مدرن به نام فلسفه پول (Philosophy of Money) تا سالها حتی به زبان انگلیسی ترجمه نشده بود. به هر حال به نظر می‌رسد در سالهای اخیر زیمل به جایگاهی که طرفداران او معتقدند شایسته اوست در جامعه‌شناسی رسیده است. (Frisby, 2002) مهمترین ویژگی آثار زیمل دیدگاه متمایز او در بررسی مسایل جامعه خود است که او را از دیگر کلاسیکها (کارل مارکس، ماکس وبر و امیل دورکیم) متمایز می‌سازد. زیمل معمولاً آثار خود را به صورت مقالات کوتاه می‌نوشت و تمام ابعاد مسأله را به یکسان مورد توجه قرار می‌داد، به همین دلیل او را متهم کرده‌اند که هرگز ایده‌ای جامع در نظر نداشته است و به پراکنده‌گویی پرداخته است. اما از سوی دیگر عده‌ای این شیوه او را مربوط به نوع نگاه او به مسایل اجتماعی و وابسته بودن تمام کل‌ها به اجزاء دانسته‌اند.

جامعه‌شناسی پول

"زیمل کتاب جامعه‌شناسی پول (Philosophie des Geldes) را در سال ۱۹۰۰ منتشر کرد، و در سال ۱۹۰۷ تجدید چاپ شد، و تا حدود ۷۰۰ صفحه گسترش یافت. این کتاب به دو بخش که هر کدام دارای سه فصل است تقسیم شده است و در آن زیمل پول را به هر پدیده اجتماعی قابل تصور مربوط می‌کند و در واقع درباره ارتباط غیرقابل قطع بین پول، فرد و در نهایت، جامعه مدرن در کلیت آن بحث می‌کند. ویژگی عقل‌گرایی تام در اثر زیمل درباره پول بسیار آشکار است" (Deflem, 2003, p. 71). به عقیده ریتزر و گودمن پرداختن زیمل به پول، بخشی از علاقه گسترده تر او به مساله ارزش است. (Ritzer & Goodman, 2004: p. 169).

"بخش اول کتاب زیمل تحلیلی است و هدف آن مطالعه وجود (being= Wesen) پول خارج از پیش فرض‌های حیات اجتماعی است. زیمل مطالعه‌ای درباره پول پیشنهاد می‌کند که فراتر از یک رهیافت اقتصادی صرف باشد. زیمل می‌گوید هدف او فراتر رفتن از موقعیت پول در بازار است با استفاده از مرتبط کردن آن به فرهنگ و جامعه به منظور فهم عمیق‌تر ارزشگذاری‌ها و جریانهای روان‌شناختی و حتی پیش‌فرضهای متافیزیکی (Deflem, 2003, p. 71). زیمل می‌خواست به درکی عمیق‌تر وضعیت پول و تأثیرات آن در جامعه مدرن دست یابد. او تحلیل اقتصادی پول را کافی نمی‌دانست. تحلیل صرفاً اقتصادی پول می‌تواند حتی گمراه‌کننده باشد. به بیان مرتونی پول کارکردهای پنهان و ناخواسته‌ای که سراسر جامعه مدرن را تکان داده است. البته زیاده روی و بزرگنمایی در بیان این مسائل هم می‌تواند سوءگیری را بوجود آورد که هورتون آنرا سوءگیری ضد شهری می‌نامد. (Horton & Hunt, 1972, p. 460)

"زیمل ابتدا رابطه پول با ارزش (Value= Wert) را تحلیل می‌کند، و می‌گوید ارزش، جنبه‌ای عینی به پول می‌دهد (ارزش از مرزهای اجتماعی و فردی ادراک فراتر می‌رود)، از طریق پول است که ارزش‌های ذهنی (که مردم به بعضی چیزهای عینی نسبت می‌دهند) عینی می‌شوند. ارزش ممکن است به شیوه‌های گوناگونی به چیزی مربوط شود و آنها به طور نزدیکی به ارزش عینی مربوط هستند (چون آنها سازنده ارزشهای ذهنی هستند)، اما تنها در پول است که هر ارزش ذهنی به طور کامل بیان و جلوه عینی می‌یابد." (Deflem, 2003, p. 71). ارزشهایی که افراد در جامعه سنتی به طور ذهنی به چیزها نسبت می‌دهند و اغلب بیان کمی و عینی نمی‌یابند به کمک پول عینیت می‌یابند و به این ترتیب می‌توان آنها ارزشهای ذهنی را اکنون به طور عینی به دست آورد و مبادله کرد.

"چیز مطلوب- هنگامی که دور از فرد قرار گرفته- بوسیله یک رابطه مبادله‌ای پولی می‌تواند به دست آید. ارزش بوسیله میزان تمایل مردم برای به دست آوردن آن چیز تعیین می‌شود، و نه توسط ارزش کاربردی آن چیز. بر طبق نظر زیمل تجارت برای خلق ارزش پول الزامی است، چرا که تجارت، چیزها را بر اساس ارزشی که بوسیله پول قابل بیان است، قابل مبادله می‌کند." (Deflem, 2003, p. 71). میزان ارزش هر چیز را در نظام پولی میزان تقاضا برای آن چیز تعیین می‌کند و لازمه این نظام عرضه و تقاضا، تجارت است که چیزها را به دست مشتریان آنها می‌رساند. تا زمانی که تجارت به اندازه کافی گسترش پیدا نکرده باشد، این قابلیت بالقوه پول بالفعل نمی‌شود.

"پول ارائه دهنده ابزار اتصال عینی (objectified articulation= verselbständigte Ausdruck) در روابط مبادله است چرا که جدا از تمام چیزهای دیگر پول تبدیل‌کننده چیزها به کالا (commodity) است. پول در جامعه مدرن بیشتر و بیشتر دارای کارکرد می‌شود: روابط را بنیان می‌نهد، و مردم را بوسیله جریان کالاها و خدمات به هم پیوند می‌زند. زیمل ادعا می‌کند قیمت کالا در یک مبادله، میزان قابلیت مبادله بین آن کالا و تمام دیگر کالاهاست" (Deflem, 2003, p. 71). پول روابط اجتماعی را به طور شگفت‌انگیزی در جامعه افزایش می‌دهد. پول لازمه روابط رسمی و غیر شخصی جامعه مدرن است. چرا که زبان مشترک مبادلات است و ارزش هر چیزی را به راحتی تعیین می‌کند.

"پول بیان‌کننده وابستگی و ناهمگنی چیزهاست. پول بیان‌کننده عنصر عمومی در تمام چیزهای قابل مبادله است... پول قادر نیست خاصیت فردی هر چیز را بیان کند. مهم این است که دیگر جنس پول نقشی در کارکرد آن در مبادله بازی نمی‌کند. زمانی پول ارزش جنسی داشت (مثال سکه‌های طلا یا نقره)، اما الان پول تبدیل به نمادی برای تعیین کیفیت به صورت کمی شده است. پول ابزاری است که تقریباً در تمام کنش‌های متقابل اجتماعی مردم وارد شده است. پول هدفی در خود (in itself= an sich)

نیست، پول دارای ظرفیت‌های بی‌نهایت مطلق برای کاربرد در روابط مبادله است. با این حال همزمان پول می‌تواند هدفی برای خود (for itself= fur sich) شود، دقیقاً به خاطر ظرفیت‌های نامحدودش به عنوان یک وسیله، مقادیر پول تبدیل به کیفیت‌های آشکاری می‌شود. سودجویی اقتصادی، احساس نیاز به اندوختن و افزایش حرص پول معنی‌دار است، نه تنها در بازار بلکه در هر فضایی از حیات اجتماعی. زیمل این فرآیند را کالایی شدن روابط متقابل یا تقلیل کلی کیفیت به کمیت می‌نامد. (Deflem, 2003, p. 71). اینکه که پول نمی‌تواند کیفیت‌های متمایز نشان دهد و فقط به بیان کیفیتها به زبان مقدار می‌پردازد موجب می‌شود که بسیاری از کیفیتها نادیده گرفته شوند. زمانی پول ارزشی ماهوی داشت (به خاطر جنس آن)، اما در جامعه مدرن به طور کامل تبدیل به توانایی انتزاعی بیان ارزشها در نظام عرضه و تقاضا می‌شود که در عین اینکه خود دارای ارزشی قراردادی است، ارزش ماهوی همه چیز را سلب می‌کند و به همه چیز کمیت قابل اندازه‌گیری می‌بخشد. این امر را می‌توان با بخشی از فرآیند افسون زدایی که یکی از مشخصه‌های کار وبر است در رابطه دانست. قابل محاسبه کردن همه چیز، یکی از ویژگیهای عقلانیت معطوف به هدف است که می‌خواهد به همه چیز نظم علمی ببخشد (Maley, 2004: p. 69).

"بخش دوم کتاب فلسفه پول زیمل به آشکار کردن عملکردهای پول در جهان می‌پردازد، که شامل جهان افراد، فرهنگ و جامعه است. این امر زیمل را به تحلیل پول در رابطه با آزادی فردی رهنمون می‌شود. زیمل می‌گوید پول فرد را آزاد می‌کند چرا که اجبار برای استفاده از پول (Geldverpflichtung) فقط مربوط به محصول کار یا مربوط به خریدار/فروشنده در بازار می‌شود، و هرگز به کلیت شخص مربوط نمی‌شود. زیمل این مطلب را به خوبی در تحلیل فرادستی و فرودستی بیان می‌کند، جایی که می‌گوید: پول جدایی را به حداعلی رسانده است... بین انسان به عنوان یک شخص و انسان به عنوان ابزار یک عملکرد یا معنی خاص. پول بوسیله صورت‌بندی اتصالها بین تعداد زیادی افراد، آزادی فردی را حفظ می‌کند. در چنین روابطی، پول جابجایی‌داری را امکان‌پذیر می‌سازد و دارایی خودش یک کنش می‌شود، درگیر شدن در رابطه با دیگران در کنشهای متقابل. بنابراین آزادی تاحد زیادی به دارایی مربوط است، داشتن کالا یا پول، اجازه بنیان نهادن روابط بسیار بیشتری را می‌دهد: "مفهوم واسطه همبستگی بین پول در یک طرف و بزرگ شدن حلقه‌های کنش متقابل اجتماعی، با وجود گوناگونی افراد، معمولاً مالکیت خصوصی است". زیمل می‌گوید پول می‌تواند بر فاصله فیزیکی و اجتماعی بین افراد غلبه کند چرا که دارای قابلیت انتقال به طور کامل است که با یک فرآیند فردگرایی همراه است. اما، در همین حال در جامعه افراد هرچه بیشتر فقط با ابزار پول ارزش‌گذاری می‌شوند. انسانها را می‌توان بر اساس ارزش پولی به شکلی عینی و مطلق ارزش‌گذاری کرد. پول نفوذ خود را در گستره‌ای از ساحت‌های اجتماعی نشان می‌دهد: حقوق قانونی به دعاوی مالی تبدیل می‌شود، کار مطلوب می‌شود تنها از آنجایی که به دریافت‌های پولی منجر می‌شود (دستمزدها). (Deflem, 2003, p. 72)

زیمل به خوبی به بیان داده‌ها و ستاده‌های پول به انسان مدرن می‌پردازد. افزایش آزادی‌های فردی همان ارمغانی است که دنیای مدرن به انسان هدیه کرده است اما ناکامی‌هایی که ناشی از کمبود کیفیت در روابط و تقلیل همه چیز به پول است به خوبی مشاهده می‌شود.

"در آخر، زیمل بحث می‌کند که پول چطور فرهنگ و آهنگ زندگی را تعیین می‌کند. زندگی مدرن تبدیل به تلاشی عقلانی برای حذف احساسات به نفع محاسبه‌پذیری شده است. فرهنگ چیزها جایگزین فرهنگ اشخاص می‌شود، خلاقیت ذهن موضوع فرآیند شی‌انگاری (Vergegenständlichung) به عنوان چیز قابل محاسبه شده است. فرآیند عقلانی سازی با استفاده از توانایی پول برای تبدیل چیزها به کالاهای قابل مبادله. هر دو اصل در کلان شهر به علای واقعی می‌رسند، "استقرار اقتصاد پولی و انسان را مانند عدد به حساب آوردن". زیمل می‌گوید ظهور افکار رمانتیک و احساسات قوی واکنشی به مدرنیزاسیون فرهنگ است: پول و عقل قابل مبادله هستند، انسانها و فرهنگ قابل خرید هستند. از طریق پول همه چیز قابل خریدن هستند، همه چیز نسبی است، همه چیز دارای جنبش یکسان است - جهان در جریان کامل است. (Deflem, 2003, p. 71)

پول در جامعه مدرن

کتاب فلسفه پول در میان آثار زیمل جایگاهی خاص دارد. شیوه خاص زیمل در بررسی جامعه در این کتاب به خوبی قابل مشاهده است. "در مقدمه کتاب فلسفه پول، زیمل می‌گوید مطالعه او بر روی پول مثالی است از نیت گسترده‌تر او برای مطالعه جامعه شناختی "هر چیز جزئی زندگی و کلیت معنی آن است". همانطور که پوگی می‌گوید: پول برای زیمل ساختار و نماد مرکزی

(Deflem, 2003, p. 73).

"مشهورترین ویژگی جامعه‌شناسی زیمل در بحث او درباره پول، وابسته بودن (relatedness= Wechselwirkung) پول به دیگر پدیده‌های اجتماعی است. همانطور که برایان ترنر (Turner, 1986: 95) می‌گوید در کار زیمل "هر بخش فرهنگ می‌تواند نقطه‌شروعی برای تحقیق جامعه‌شناختی ماهیت کلیت باشد...هیچ چیز بی‌ارزش نیست چراکه همه چیز وابسته است". این نسبی‌گرایی با مطالعه پول به عنوان یک نهاد اجتماعی مشخص می‌شود، که آن را فقط می‌توان در چارچوب اجتماعی که در آن قرار گرفته است، فهمید. پول به وابستگی‌های متقابل زندگی اجتماعی اشاره دارد، شیوه‌ای که در آن تمام رویدادها، چیزها، و افراد وابسته هستند. پول هیچ معنای ذاتی ندارد، اما معنای‌داری‌اش را از وابستگی‌اش به اشیاء پولی و کسانی که به پول نیاز دارند تا آن اشیاء را به دست آورند، به دست می‌آورد." (Deflem, 2003, p. 72)

کارکرد پول در جامعه مدرن، در نزد زیمل نزدیک به همان چیزهایی است که ذهن کلاسیک‌ها را به خود مشغول کرده بود. در میان کلاسیک‌ها دیدگاه زیمل بیش از همه به وبر نزدیک و از دورکیم فاصله دارد. اما هیچ کدام از کلاسیک‌ها به اندازه زیمل برای پول نقش محوری قائل نبودند. این امر نزد زیمل شاید این خاطر باشد که او همه چیز را نسبی می‌دید و هرگز نمی‌خواست برای جنبه‌ای از زندگی اجتماعی آنچنان اثر اصیلی قائل باشد که دیگر جنبه‌ها معلول آن باشند. کما اینکه بسیاری این امر را دلیل بی‌توجهی به زیمل در تمام این سالها و مراجعه مجدد به او در سالهای اخیر دانسته‌اند. زیمل در فلسفه پول به مفاهیمی نزدیک به شیء‌انگاری و بیگانگی اشاره کرده است.

"پول همچنین ابزاری مهم برای خلق پیوند اجتماعی بین مردم است. جامعه فقط حاصل جمع افراد نیست، و هیچ کدام از این دو (جامعه و افراد) را نمی‌توان بدون دیگری تصور کرد. روابط بین افراد بوسیله پول بوجود می‌آید. با این حال همزمان این روابط به صورتی شیء می‌شوند که تبدیل به پیوستگی‌های غیرشخصی هزینه-سود در می‌آیند که می‌توانند از مرزهای اجتماعی و فیزیکی درگذرند. پروژه عقلانی سازی همراه با بسط اقتصاد پولی باعث از هم گسیختگی و پیوندهای غیرشخصی می‌شود. تمایل عمومی به سوی محاسبه پذیری و کنترل کمتی، کنش‌های متقابل اجتماعی را به سویی می‌برد که بیش از پیش توسط پولی که مردم دارند یا ارائه می‌دهند، تعیین شوند و این موضوع از نظر زیمل غیر قابل اجتناب است، به خصوص با گرایش پول به تبدیل شدن به هدفی درخود. با این حال می‌توان بر اساس دارایی استفاده شده در روابط مبادله‌ای محاسبه گرانه، آزادی‌های شخصی را حفظ کرد. با ارجاع به تعاریف آلمانی پول، زیمل از مفاهیم زغال سنگ (coal= Kohle) و خمیر (dough= Knete) برای بیان صفات آزادی بخش پول استفاده می‌کند. تهیدستان بالاجبار باید اندک پولی را که دارند مانند ذغال سنگ برای اهداف محدود در زندگی بسوزانند. اما ثروتمندان این فرصت دارند که هدف پول را تغییر دهند، چراکه برای آنها مانند خمیر انعطاف پذیر است. آنها می‌توانند پول را خرج کنند، پس‌انداز کنند یا سرمایه گذاری کنند تا ثروت انباشته شود. برای زیمل پول دارای اثرات آزادی بخشی هم هست چراکه فرد را از عضویت محدود در یک جمع خاص آزاد می‌کند و فرد می‌تواند در شبکه‌ای از وابستگی‌های گروهی با تكثری از افراد در گروه‌های اجتماعی عضو باشد. در این شکل پول آزادی ساز است (چون قیود را از بین می‌برد)، البته آزادی که بیانگر نبود نسبی احساس لذت است. زیمل می‌نویسد "پول دو چیز بوجود می‌آورد، نوعی غیرشخصی بودن ناشناخته در تمام مالکیت‌های اقتصادی و حفظ استقلال و خودمختاری شخصی" پول بیگانه می‌کند و جدا می‌کند اما پیوندهایی هم در میان اعضای شبکه‌ای که در آن گردش دارد، بوجود می‌آورد." (Deflem, 2003, p. 73)

کتاب فلسفه پول از جهت شناخت جامعه‌شناسی زیمل هم دارای اهمیت بسیاری است. عناصر جامعه‌شناسی زیمل را می‌توان در این کتاب یافت. "از آنجایی که تفاوتی که زیمل بین جامعه‌شناسی عمومی، صوری و فلسفی قائل بود، قبل از انتشار کتاب فلسفه پول به صراحت بسط نیافته بود، در این کتاب مولفه‌های صوری و فلسفی در کار زیمل قابل تشخیص است. بیشترین صراحت در این باره هنگامی است که زیمل در تلاش برای رفتن به ورای پیش فرضهای اقتصاد پولی، فصلی در جامعه‌شناسی فلسفی ارائه می‌دهد. او تلاش می‌کند تا هستی‌شناسی پول را بوسیله "پژوهشی درماهیت پول که پدیده‌های اجتماعی است" (Wolf, 1964: xxxiv) انجام دهد. این اشتیاق فلسفی در صورت‌گرایی جامعه‌شناسی زیمل هم وجود دارد. مفهوم محوری جامعه‌زیستی در جامعه‌شناسی صوری زیمل در کتاب فلسفه پول ارائه نشده است، اما دیگر ویژگی‌های تحلیل صوری، تحلیل زیمل را مشخص می‌کند. برای مثال نمونه‌ای از جدایی بین صورت/محتوا که زیمل آن را بیش از پیش در دوران مدرن می‌بیند، تطور پول از ارزش مادی (در طلا و

نقره) به یک ابزار کارکردی صرف است (پول کاغذی). بنابراین پول تمام محتوای حیات اجتماعی - شامل اقتصاد و فرهنگ- را شیء می‌کند و ارزش کیفی را به کاربردی بودن کمی تبدیل می‌کند. پول با استفاده از کیفیت های صوری عملکرد آن، مبادله از فاصله دور را امکان پذیر می‌سازد و انتزاعی بی‌نهایت را بوجود می‌آورد که انسانها را تکه تکه می‌کند و آنها را به دارایی هایی صوری تبدیل می‌کند که هرکدام یک برچسب کالا دارند." (Deflem, 2003, p. 73)

منابع

- Deflem, Mathieu (2003) The Sociology of Sociology of Money, Journal of Classical Sociology, Vol. 3(1): 67-96.
- Frisby, David (2002) Georg Simmel, Routledge.
- Horton, Paul B. & Hunt, Chester L. (1972) Sociology, McGraw Hill.
- Ritzer, George & Goodman, Douglas J. (2004) Sociological Theory, McGraw Hill.
- Terry, Maley (2004) Max Weber and the Iron Cage of Technology, Bulletin of Science, Technology & Society, Vol. 24, No. 1, February, 69-86.